

## در باب ترجمه تونیو کروگر. رضاسید حسینی

۲۵۵ تونیو کروگر اولین کتابی است که من در آغاز جوانی (تقریباً چهل سال پیش، پس از اینکه در ترجمه پنج کتاب با دوستم و استادم عبدالله توکل همکاری کرده بودم) به تنهایی از روی دو متن فرانسه و ترکی استانبولی ترجمه کردم. ترجمه آن (شاید در سایه ترجمه درخشان مترجم ترکی) نسبتاً دقیق بود. اما چون از متن اصلی ترجمه نشده بود، همیشه برای من مایه نگرانی بود. در سال ۱۳۳۴ که ناشر می خواست آنرا تجدید چاپ کند، از دوست از دست رفته مان، محمود تفضلی، خواستم که آنرا با متن آلمانی تطبیق کند. مرحوم تفضلی چند صفحه ای از آنرا تطبیق کرد و چند تغییر کوچک هم داد و گفت که ترجمه بد نیست و مقاله ای راهم که به مناسبت مرگ توماس مان نوشته بود به من داد تا در مقدمه چاپ کنم. با گذشت سالها، پی بردن به اهمیت کار توماس مان و اعتقاد روزافزونم به اینکه مترجم تا با متن اصلی روبرو نباشد نمی تواند به سبک نویسنده وفادار باشد مرا از تجدید چاپ آن منصرف کرد. تا اینکه دو سال پیش، صفحاتی از ترجمه درخشانی که دوست فاضلم حسن نکوروح، استاد آلمانی دانشگاه شیراز از کوه جادو اثر عظیم توماس مان انجام داده بود به دستم رسید و مرا

دوباره به یاد تونیو کروگر (که سخت دوستش دارم) انداخت. در این مدت یک ترجمه انگلیسی و یک ترجمه جدید فرانسه هم به دستم رسیده بود. از آقای نکوروح خواستم که اگر فرصت کرد ترجمه مرا با متن اصلی تطبیق کند و به من بگوید که قابل استفاده است یا نه؟ چندی بعد، ایشان کتاب را که کلمه به کلمه با آلمانی تطبیق کرده و عملاً ویرایش کاملی روی آن انجام داده بودند، برایم فرستادند و این دل و جرئت را به من دادند که خودم هم با توجه به



ارنکا، مایریش، توماس و کلاوس مان.

چهار ترجمه ای که از آن در دست دارم، یک بار دیگر در ترجمه ام تجدیدنظر کنم و اکنون که آنرا به چاپ می سپارم تا حد زیادی خیالم راحت است و می توانم ادعا کنم که ترجمه حاضر، اگر از آن چهار ترجمه بهتر نباشد، بدتر نیست.

آقای نکوروح که پایان نامه تحصیلی شان درباره توماس مان است و تحقیقات جامعی درباره

**نتیجه اخلاقی که از این رود درازی حقیر گرفته می شود. اندرزی است به مترجمان جوان: اثر ادبی را حتماً از متن اصلی ترجمه کنید تا دچار این قبیل گرفتاریها نشوید.**

این نویسنده بزرگ دارند مقاله ای هم درباره پیشینیان ادبی تونیو کروگر و فرق رومانسیسم تئودور اشتورم با سمبولیسم توماس مان نوشتند که مرا بیشتر رهین منت خودشان ساختند.

مقاله مرحوم تفضلی را به یاد آن دوست از دست رفته و به احترام او به همان صورتی که در آن سالها نوشته شده بود، بدون کوچکترین تغییری در مقدمه کتاب آوردم. مقاله آقای نکوروح را هم می توانستم در آغاز کتاب بگذارم، اما چون در این تحقیق اشارات متعددی به متن اثر وجود دارد بهتر دیدم که آنرا در پایان کتاب بگذارم تا خواننده پس از مطالعه رمان و

آشنایی با آن این تحقیق را بخواند که بی تردید مفیدتر خواهد بود.  
نتیجه اخلاقی که از این روده درازی حقیر گرفته می شود، اندرزی است به مترجمان جوان:  
اثر ادبی را حتماً از متن اصلی ترجمه کنید تا دچار این قبیل گرفتاریها نشوید. ♦♦♦





پیشو کے نام سے  
پہلی جامع علوم اسلامی